



مهدی مطهرنیا استاددانشگاه

کسانی که با اقتضانات روابط بین‌الملل آشنا هستند، به‌خوبی بر این واقعیت غیرقابل‌انکار واقف‌اند که اصل‌تعیین‌کننده در مناسبات جهانی، نه بر اساس حقوق بین‌الملل و چارچوب‌های موجود در آن بلکه متأثر از پارامتری به نام «قدرت سیاسی» است که می‌تواند به‌عنوان یگانه عامل در تعیین حدودوونفور روابط جهانی عمل کند. از این جهت برجام با وجود آنکه توافق‌نامه‌ای ذیل یک چارچوب حقوقی برای تعریف تعهدات طرفین در حوزه پرونده فعالیت‌های هسته‌ای ایران بود ولی به دلیل موفقیت تهران در تقابل دیپلماتیک با شش ابرقدرت جهانی در قالب اعضای ۵+۱ باید آن را دستاورد بی‌دوبلی در تاریخ دیپلماسی ایران دانست که مؤلفه قدرت‌زایی را برای جمهوری اسلامی و به نام دولت حسن روحانی رقم زد. در چنین فضایی مخالفان و منتقدان توافق هسته‌ای که اکنون به‌واسطه اجرای پروژه یکدست‌سازی قدرت ارکان مدیریت کلان کشور را به دست گرفته‌اند، از همان ابتدا از برجام توقعات فزاینده‌ای را در جامعه به وجود آوردند که نهایتا سبب تأخیر و انسداد، هم در ماه‌های پایانی دولت دوازدهم و هم در هفته‌های اخیر در وین شده است.

تیم مذاکره‌کننده اکنون تمام توان دیپلماتیک را برای احیای همان برجام به کار بسته است، بااین‌حال توقعات فزاینده و خودساخته این جریان در سال‌های پیشین علیه برجام آنها را در وین گرفتار کرده است؛ به‌گونه‌ای‌که این جریان نه توان پاسخ همفکران خود برای ادامه مذاکرات در قالب و مسیر دولت روحانی را دارند و نه توجهی برای جامعه به دلیل بن‌بست جاری و تعلل در حصول توافق. از طرف دیگر توقعات شرایطی را رقم زده است که حتی دولتی مانند بایدن هم توان احابت کل این خواسته‌های تهران را ندارد. درعین‌حال اگر تهران هم از این خطوط قرمز خود تخطی کند، با دویارگی یا چندپارگی سیاسی «درون‌جریانی» مواجه می‌شود که می‌تواند بخشی از جامعه حامی خود را از دست بدهد. به موازات آن امروز قدرت یکدست‌شده در کشور به دلیل عملکرد خود، چه در هشت سال حیات دولت‌های یازدهم و دوازدهم و چه اکنون، هزینه‌های بالا و سراسام‌آوری را بر اقتصاد و معیشت ایران تحمیل کرده است که در حافظه تاریخی مردم خواهد ماند، آن‌هم در شرایطی که اقتصاد کشور به یک اقتصاد سیاست‌زده و فسادزده تبدیل شده است که شدت فشارهای معیشتی را

با تأخیر در احیای برجام، چالش‌ها شتاب می‌گیرند

دوچندان می‌کند، اگرچه معیشت مردم به دلیل همین اقتصاد سیاست‌زده و فسادزده با بحران مواجه شده است اما تمام سستی‌های داخلی و بحران‌هایی جاری در ایجاد مختلف سیاسی، دیپلماتیک، اقتصادی، معیشتی، اجتماعی و… درنهایت امر به برجام منتهی می‌شود. چون برجام اثرات مستقیم و عینی بر اقتصاد و معیشت ایران دارد که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. با وجود این برجام به تنهایی نیز تعیین‌کننده نخواهد بود. مقولاتی مانند نپذیرفتن مقررات مربوط به FATF و دیگر قوانین حوزه نظام بین‌الملل مزید بر علت شده است که سیاست خارجی عملا معیشت را به گروگان بگیرد. همه این نکات به درستی یا غلط اکنون به برجام و سرنوشت مذاکرات وین گره خورده است. بنابراین احیای برجام اگرچه همه مشکلات و بحران‌های جاری در کشور را حل نمی‌کند اما سایه احیای برجام به‌عنوان یک واقعیت انکارناپذیر بر همه مسائل جاری مردم در همه ابعاد و سطوحش سنگینی می‌کند. پس از منظر آینده‌پژوهانه تأخیر در روند مذاکرات وین و احیای برجام با هدف لغو تحریم‌ها می‌تواند شرایطی را رقم بزند که شاید مردم به نام رعایت «امنیت ملی» یا «منافع ملی» دست به خودکنترلی



و مدیریت شرایط برزند اما تداوم بن‌بست در وین و عدم حصول توافق و درنهایت اوج‌گیری بحران معیشتی در میان‌مدت و حتی کوتاه‌مدت اعتراض اجتماعی را به دنبال خواهد داشت.



توقف یک‌ماهه مذاکرات به معنای شکست نیست

مهدی ذاکریان، استاد دانشگاه و تحلیلگر ارشد مسائل بین‌الملل: ابتدابه‌ساکن باید عنوان کنم که توقف حدود یک‌ماهه در مذاکرات وین را نباید به‌عنوان یک شکست و انسداد در



احیای برجام تلقی کرد. به هر حال، مذاکراتی در این سطح و درخصوص پرونده مهمی مانند فعالیت‌های هسته‌ای ایران، با چالش‌ها و موانع گسترده‌ای روبه‌رو است. بنابراین منطقی آن است که مسئولان دولتی و تیم مذاکره‌کننده باید هرچه زودتر این موانع را از سر راه احیای مذاکرات بردارند. اما متأسفانه به نظر می‌رسد در صحنه تحولات سیاست داخلی و سیاست خارجی ایران، طیفی از مسئولان تلاشی برای برداشتن و تعدیل موانع بر سر راه لغو تحریم‌ها ندارند و در آن سو طیفی هم به دنبال ایجاد موانع جدید بر سر احیای برجام هستند. به همین دلیل است که تاکنون مذاکرات احیای برجام به نتیجه نرسیده است؛ چون مرتب شاهد مانع‌تراشی‌ها و افزایش چالش‌ها و مشکلات و به تبع آن پیچیده‌تر و بغرنج‌ترشدن پروسه مذاکرات هستیم. تا جایی که به اعتراف خود مقامات دولت سیزدهم، مذاکرات وین پیچیده‌تر از گذشته شده است. بیرو نکته یادشده باید عنوان کرد منافع سیاسی و به‌خصوص اقتصادی و تجاری ناشی از تداوم سیاست فشار حداکثری آمریکا و تحریم‌های این کشور، برای عده قلیلی در ایران شرایطی را به وجود آورده است که عملا ملت ایران چوب ادامه گفتاری تهران و واشنگتن و عدم احیای برجام را می‌خورند. برای من جای سؤال است که مدیران و مسئولان در همه قوا و ارگان‌ها در همین مدتی که از زمان اعمال تحریم‌ها علیه ایران گذشته است تا چه اندازه صبوری کرده‌اند که از ملت انتظار صبر دارند؟ آیا این تحریم‌ها در حقوق، مزایا، درآمد، ماشین‌های لوکس، خانه‌های آن‌چنانی و بادیکاردهای آنها اثری گذاشته است؟ در این شرایط سخت و ناگوار معیشتی، همین مسئولان مالیات‌های سنگینی را هم بر درآمدهای حداقلی مردم بسته‌اند. بر این اساس به نظر من اکنون صبر و تحمل مردم در برابر تحریم‌ها را به دلیل عدم احیای برجام، گروگان گرفته‌اند. به هر حال، وقتی منافع ملی برای عده قلیلی به نام کاسبان تحریم، دلواپسان یا هر اسم دیگری اهمیت نداشته باشد، یقینا منافع ملت را قربانی مطامع شخصی خود خواهند کرد. منافع شخصی این عده قلیل ذیل عنوان کاسبان تحریم به‌واقع شرایط ناگواری را برای اقتصاد و به‌خصوص معیشت مردم ایران به وجود آورده است. دوزدن تحریم‌ها، برقراری روابط خاص تجاری با برخی کشورهای مشخص در چارچوب قاجاق و نظایر اینها در کنار خرید و فروش در بازارهای سیاه و خاکستری، سود سرشاری را در فضای عدم احیای برجام برای کاسبان تحریم به‌همراه داشته است؛ پس بدیهی است حصول توافق و احیای برجام نافی منافع این عده قلیل است؛ ازاین‌رو عده مذکور (کاسبان تحریم) از هر طریقی و با هر ابزاری به دنبال مانع‌تراشی بر سر راه احیای برجام خواهند بود تا تحریم‌ها کماکان ادامه پیدا کند، حتی اگر معیشت مردم قربانی سود آنها در تحریم‌ها شود. برای روشن‌ترشدن مسئله نفوذ این کاسبان تحریم کافی است که به وضعیت بازار خودرو در کشور نگاه کنیم. تمام جامعه، هم درساره قیمت‌های سراسام‌آور و هم کیفیت پایین تولیدات داخلی شکایات و انتقادات گسترده دارند تا جایی که رهبری هم این انتقادات را وارد می‌داند؛ باوجوداین پشت پرده و عده‌ای که از وضعیت تحریم کنونی در صنعت خودرو سودهای سرشاری را می‌برند، به‌هیچ‌عنوان اجازه نخواهند داد که مسئله واردات خودرو به کشور عملیاتی شود؛ کمااینکه در آخرین لحظات تصویب بودجه این مهم از دستور کار مجلس خارج شد. چا همه این تفاسیر فرخ از اینکه چه گروهی، چه جریانی و چه احزاب و شخصیت‌هایی در عود احیای برجام و تأخیر مذاکرات وین دخیل بوده و هستند، یقینا به هر میزان که شاهد تداوم و تشدید تأخیر در حصول توافق باشیم، به همان میزان و حتی بیشتر از آن باید منتظر آثار و عواقب مخربش بر وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم بود. ناگفته نماند این نکته به آن معنا نیست که دیگر عوامل مانند ناکارآمدی مسئولان و نبود مدیریت صحیح در تشدید بحران معیشتی مردم اثر نداشته است که یقینا این مسائل هم به سهم خود بر وضعیت مردم از نظر اقتصادی اثرگذار بوده و هستند؛ اما بی‌شک تأثیرگذاری پارامتری به نام تحریم‌های آمریکا و عدم تبادل بین‌المللی ایران با جامعه جهانی مشکل اصلی دولت و جامعه در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، معیشتی و فرهنگی و به دنبالش تشدید معضلاتی مانند بی‌کاری، تورم، فقر و… است.



ابراهیم رزاقی، اقتصاددان و استاد دانشگاه: اگرچه امکان موج‌سواری و سوااستفاده برخی جریانات داخلی و خارجی معاند با جمهوری اسلامی ایران از چالش‌ها، مشکلات و بحران‌های معیشتی و اقتصادی موجود در جامعه با هدف حمله و حتی سرنگونی نظام وجود دارد؛ درعین‌حال نمی‌توان واقعیت‌های تلخ کنونی را هم نادیده گرفت. متأسفانه روزبه‌روز آستانه تحمل جامعه به دلیل انبوه مشکلات موجود کاهش پیدا می‌کند. این نکته وضعیت شکننده‌ای را برای جامعه رقم زده است به گونه‌ای که من نگران احتمال فلوران اجتماعی به دلیل بحران‌های معیشتی هستیم که در مجموع ناشی از عملکرد غلط دولت‌های گذشته تا به اکنون است. با وجود آنکه نگاه سرمایه‌داری دولت‌های قبلی و به دنبالش نادیده‌گرفتن حقوق مردم و از همه مهم‌تر ظهور و بروز هرچه شدیدتر فساد، رانت، نبود مدیریت صحیح و فقدان برنامه‌ریزی کارآمد دولتی شرایطی را به وجود آورده است؛ اما در کنار آن، تحریم‌های آمریکا و سیاست فشار حداکثری ایالات متحده هم توانسته است بیشترین اثر مخرب را بر جامعه شکل دهد. باوجود آنکه حوزه تخصصی من به اقتصاد بازمی‌گردد اما بی‌شک ما شاهد ارتباط تنگاتنگی بین نارسایی‌هایی کنونی جامعه با محوریت افزایش سطح بزهکاری با بحران اقتصادی و معیشتی هستیم. دزدی، تن‌فروشی، روی آوردن به بازارهای کاذب و سیاه و در کنار آن گران‌فروشی، کم‌فروشی و مسائل دیگر به موازات کوچک‌شدن سفره مردم، توران حداقلی اقتصاد خانواده، بی‌کاری، تورم، نقدینگی افسارگسیخته، بدهکاری کلان سیستم بانکی و بیمه، بن‌بست اقتصادی در دولت و از همه مهم‌تر رکود در تولید همگی وضعیت نگران‌کننده‌ای را برای کشور رقم زده است. اخیرا سیدابراهیم رئیسی عنوان داشته است که حدود ۱۰ میلیون نفر در کشور زیر خط فقر هستند که باید به دولت اعتماد کنند، حال باید پرسید که اگر ۱۰ میلیون نفر اعتماد نکنند و تحمل این شرایط را نداشته باشند، پاسخ به آنها چیست؟ شما به اصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران رجوع کنید که بر معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به‌سوی خدا تأکید دارد. در ادامه همین اصل مسئله قسط، عدل و استقلال سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نهایتا همبستگی ملی مطرح می‌شود ولی اکنون بیش از ۴۳ سال از عمر جمهوری اسلامی ایران گذشته و اغلب آنها محقق نشده است. دردناک‌تر آن است که مقامات هیچ توجهی به این اصول قانون اساسی ندارند. در ادامه وقتی مسئولان توجهی به فقر و تبعات زیان‌بار آن نمی‌کنند، نتیجه مستقیم آن شرایطی است که بخشی از جامعه و مخصوصا فقرا نسبت به باورها بدبین شده‌اند. این نتیجه مستقیم فقر است. آیا رئیسی این واقعیت را نمی‌بیند؟ اگر رئیس‌جمهوری این واقعیت را نمی‌داند که جای تأسف بسیار دارد. به واقع وضعیت کنونی برانزده نظامی مانند جمهوری اسلامی ایران نیست. واقعیت امر این است که مسئولان کماکان یک نگاه سرمایه‌دارانه را در دستور کار دارند.



محرومیت از درآمد صد میلیارددلاری فروش سالانه نفت

حسن مرادی، استاد دانشگاه، نماینده پیشین مجلس و تحلیلگر ارشد حوزه انرژی: به‌شخصه بر این باورم که اگرچه ادامه سیاست فشار حداکثری ایالات متحده و تحریم‌های آمریکا علیه جامعه و ملت ایران در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و به‌خصوص اقتصادی و معیشتی اثرگذار است؛ اما باید اذعان داشت که مهم‌ترین جدی‌ترین اثر مخرب تداوم تحریم‌ها به واسطه عدم احیای برجام در حوزه انرژی است. از این منظر با وجود آنکه اعداد و ارقام مختلفی برای سنجش دقیق ضرر و زیان ناشی از عدم احیای برجام و عدم لغو تحریم‌ها بر بازار انرژی ایران مطرح می‌شود؛ ولی اگر بر فرض مثال نرخ نفت صادراتی به اروپا را بعد از وقوع جنگ اوکراین متوسط روی صد دلار در نظر بگیریم، ایران می‌تواند با احیای برجام هر روز ۵۰ میلیون دلار و هر ماه ۱٫۵میلیارد دلار نفت به اروپا بفروشد. این روند فروش نفت درخصوص کشورهایی مانند هند، کره جنوبی و… نیز وجود دارد و ایران در مجموع می‌تواند به طور میانگین سالانه رقمی بیش از صد میلیارد دلار درآمد نفتی داشته باشد.

از طرف دیگر به دلیل آنکه ظرفیت تولید نفت عربستان و امارات متحده عربی نیز محدود است و این کشورها قادر نیستند حفره‌های کنونی ناشی از تحریم‌های روسیه بر بازار جهانی را به طور کامل پوشش دهند، نیاز به ورود ظرفیت کشوری نفتی مانند جمهوری اسلامی ایران دوچندان خواهد بود و این بهترین فضا را در اختیار ما قرار می‌دهد تا بتوانیم نفت خود را با بیشترین قیمت به فروش برسانیم؛ کمااینکه در همین مدت کشوری مانند عراق توانسته است به واسطه افزایش بهای نفت خام در بازارهای جهانی به دلیل ادامه جنگ اوکراین در ماه گذشته میلادی (مارس) به طور متوسط روزانه سه‌میلیون و ۲۴۴ هزار و در کل ماه بیش از صد میلیون بشکه نفت صادر کند که درآمدی بالغ بر ۱۱میلیارد و ۷۰ میلیون دلار عاید این کشور کرده است؛ درآمدی که در ۵۰ سال گذشته و از سال ۱۹۷۲تا به اکنون در عراق بی‌سابقه بوده است. حال سؤال اینجاست که چرا نباید جمهوری اسلامی ایران هم در چنین فضایی با حصول توافق و احیای برجام و نهایتا لغو تحریم‌ها یک شرایط ایدئال، آزاد و بدون دغدغه و فشار را برای فروش نفت خود در بازارهای جهانی ایجاد کند؟ خصوصا که تداوم این وضعیت در بازار جهانی انرژی هم می‌تواند زیر سؤال برود. باید پذیرفت که بازارهای انرژی به پارامترهای متعددی وابسته است و هر لحظه امکان دارد شرایط کنونی ناشی از تحریم روسیه به دلیل آغاز جنگ اوکراین به کلی دگرگون شود. پس باید در کمترین زمان سایر اطلاعات و جزئیات صحیح در کنار تداوم و تشدید تحریم‌ها در مجموع جامعه را به این جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات، به آدرس(irts.mporg.ir)مراجعه نمایید.

سیستم مدیریت یکپارچه / کد ۱/۰/۴۳/۰۰ ف
آگهی تجدید مناقسه عمومی یک مرحله ای
(شماره ۱/م/ع/۱۴۰۱)

۱۴۰۱/۰۲/۰۶ بصورت فایل PDF در سامانه فوق بارگذاری نمایند. مناقسه گران علاوه بر بارگذاری فایل PDF تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار و اسناد ارزیابی کیفی موظف به ارائه آن در پاکت لاک و مهر شده تا ساعت ۱۱ همان روز به دبیرخانه شرکت آب و فاضلاب استان البرز میباشند.

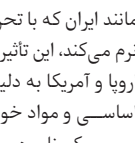
تاریخ باز گشایی پاکات : ساعت ۱۳:۳۰ روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۲/۰۶ خواهد بود.

نصوه در یافت اسناد مناقسه: داوطلبان می-توانند به منظور دریافت اسناد مناقسه از تاریخ ۱۴۰۱/۰۱/۱۷ تا پایان وقت اداری روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۱/۲۲ از طریق سامانه ستاد به آدرس www.setadiran.ir اقدام نمایند. **تلفن تماس :** ۰۲۶-۳۲۱۱۷۱۵۵

سایر اطلاعات و جزئیات مربوط در اسناد مناقسه مندرج است. جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات، به آدرس(irts.mporg.ir)مراجعه نمایید.

شرکت آب و فاضلاب استان البرز
«سهامی خاص»

احمد بخشایش اردستانی، نماینده مجلس شورای اسلامی در دوره نهم و تحلیلگر ارشد مسائل سیاسی: به‌هرحال باید بپذیریم که به دلیل تبعات ناشی از تداوم ویروس کرونا که تاحدودی هم ادامه دارد، آثار مخرب اقتصادی و معیشتی آن بر کل کشورهای جهان شکل گرفت. البته برای برخی کشورها



مانند ایران که با تحریم ایالات متحده و سیاست فشار حداکثری آمریکا دست‌وپنجه نرم می‌کند، این تأثیرات قدری بیشتر و عمیق‌تر بوده است؛ کمااینکه اکنون جامعه اروپا و آمریکا به دلیل تبعات ناشی از تحریم روسیه با تورم فزاینده و کمبود کالاهای اساسی و مواد خوراکی مواجه هستند. اما در این بین علاوه بر تأثیر دو پارامتر شیوع ویروس کرونا و همچنین شیوع ویروس‌ی به نام تحریم‌ها بر اقتصاد و معیشت ایران بعد از خروج ترامپ از برجام ما با ویروس دیگری به نام «سیاست‌زدگی» بر اقتصاد ایران مواجهیم. به همین دلیل هم هر دولتی زمانی که روی کار می‌آید، دولت‌های قبلی را مقصر شرایط کنونی معرفی می‌کنند و به تبعش اقتصاد درگیر بازی‌های سیاسی و نقل‌وانتقال قدرت بین دولت می‌شود.

از این‌منظر با وجود آنکه دولت روحانی در ابعاد مختلف ناکارآمدی‌ها و مشکلاتی را شکل داد و در ادامه هم پروژه یکدست‌سازی قدرت با ریاست‌جمهوری سیدابراهیم رئیسی محقق شد اما با گذشت بیش از ۱۰ ماه از عمر این دولت تاکنون شاهد آثار مثبت و ملموس حداقلی نبوده‌ایم. در این بین وضعیت سیاست خارجی ایران، هم در سطح منطقه و هم درخصوص پرونده هسته‌ای بر ابهام موضوع می‌افزاید. این مسئله به‌تدریج سبب ازدست‌رفتن سرمایه اجتماعی در کشور شده است؛ سرمایه‌ای که کلیدی‌ترین پشتوانه دولت و حاکمیت برای پیشبرد اهداف و برنامه‌های آنان است. بیرو آنچه که گفتم، یقینا انتقادات و همه‌هایی که به دولت روحانی از طرف جریان مقابل مطرح شد، اکنون به خود دولت سیزدهم وارد است؛ چون دولت مستقر تاکنون نتوانسته است گامی مثبت و عینی برای تعدیل مشکلات

«شرق» در گفت‌وگو با کارشناسان آثار تأخیر در احیای برجام را بررسی کرد

«صبر دیپلماتیک» با چاشنی افزایش فقر

عبدالرحمن فتح‌اللهی؛ جین ساکی، سخنگوی کاخ سفید، روز گذشته در جمع خبرنگاران عنوان کرد ایران عامل توقف گفت‌وگوهای احیای برجام است. این در حالی است که وزیر امور خارجه ایران دوشنبه جاری در حساب‌توییتش نوشته بود: اگر مکثی در روند مذاکرات وین دیده می‌شود، به دلیل زیاده‌خواهی طرف آمریکایی است. به موازات این توییت حسین امیرعبداللهیان شاه‌دوبودیم که سعید خطیب‌زاده، سخنگوی دستگاه سیاست خارجی، در نشست هفتگی با خبرنگاران گفت: توقف کنونی در مذاکرات وین مربوط به آمریکااست؛ بنابراین اگر چه ما ملت صبوری هستیم، اما تا‌بند صبر نمی‌کنیم. در این بین، «صبر» شاید برای مقامات و مسئولان که درک درستی از تبعات مخرب اقتصادی و معیشتی تحریم‌ها بر مردم ندارند، به‌عنوان کلیدواژه‌ای در جهت موازنه‌سازی سیاسی و دیپلماتیک تعریف شود، اما به نظر می‌رسد کاهش «آستانه صبر» مردم به دلیل شکننده‌ترشدن وضعیت جامعه در ابعاد مختلف، معنایی متفاوت و حتی متضاد از گفته‌های مسئولان دولتی به‌خصوص در حوزه سیاست خارجی دارد. در سایه نکته یادشده، به نظر می‌رسد «صبر استراتژیک»، «صبر سیاسی»، «صبر دیپلماتیک» و نظایر این صبرهای مدنظر مقامات کشوری، اکنون در برابر لبریزی «کاسه صبر ملت»، در حوزه اقتصادی و معیشتی به دلیل تحمل سیاست فشار حداکثری و تحریم‌ها قرار گرفته است؛ کمااینکه رتبه هشتم ایران در شاخص فلاکت جهانی بعد از ونزوئلا، لبنان، زیمبابوه، سودان و سوریه گواه این مسئله است که بخش‌ها نادرست و وارونه‌مقامات از صبر و میزان تاب‌آوری مردم در برابر مشکلات اقتصادی و معیشتی ناشی از تحریم‌ها و بن‌بست کنونی جامعه در میان‌مدت و کوتاه‌مدت، نه‌تنها به توفیقی دست پیدا نمی‌کند، بلکه می‌تواند به چالشی فراگیر در کل کشور منجر شود. در این بین، دود توپ‌اندازی‌های سیاسی و دیپلماتیک تهران و واشنگتن در زمین یکدیگر، با هدف متهم‌کردن یکدیگر به‌عنوان عامل اصلی توقف در مذاکرات و احیای برجام، تنها به چشم ملت می‌رود. بنابراین فرآغ از اینکه به واقع کدام‌یک از دو طرف در عدم احیای برجام مقصرند، بدون شک تأخیر هرروزه در حصول توافق و تداوم و تشدید بن‌بست و انسداد کنونی در مذاکرات وین هم ذیل یک پارامتر کلیدی، آثار مخرب خود را بر تعمیق هرچه بیشتر این بحران‌های فراگیر در جامعه خواهد داشت. از این‌حیث «شرق» در گفت‌وگو با استادان و کارشناسان حوزه‌روابط بین‌الملل، سیاست خارجی، بازار انرژی و اقتصاد به بررسی دقیق‌تر تبعات مخرب تأخیر در احیای برجام پرداخته است که در ادامه از نظرمی‌گذرانید.



ساختار سیاسی و جامعه در قبال احیای برجام شرطی شده‌اند

جامعه به خصوص در حوزه اقتصادی و خروج از بن‌بست کشور بردار. اگرچه گرانی و تورم کنونی در جامعه ریشه در سال‌های گذشته دارد ولی به‌هرحال باید بپذیریم دولت سیزدهم با وجود تمام شعارهای پرطمطراق خود و با وجود حمایت‌های گسترده نهادهای انتخابی و انتصابی تاکنون نتوانسته است امید را در جامعه بارور کند تا جایی که من بر این باورم اکنون ملت چندان امیدی به آینده ندارد.

به عبارت روشن‌تر من دولت سیزدهم را تا اینجای کار یک دولت شعاری و پوپولیستی دیدم که بعید است بتواند کاری برای سامان‌دادن به وضعیت مردم انجام دهد. در این بین هم تداوم پیچیدگی‌های مذاکرات وین و تأخیر در احیای برجام هم شرایط بغرنجی را شکل داده است. به‌هرحال باید بپذیریم که به دلیل مواضع و سخنان دولت روحانی اکنون در ذهن مردم نوعی باور گسترده به وجود آمده است که در صورت حصول توافق و احیای برجام می‌توان شاهد گشایش‌هایی در جامعه بود. چون دولت‌های یازدهم و دوازدهم حتی آب‌خوردن را هم به توافق هسته‌ای گره زد. اگرچه ادامه مذاکرات و حصول توافق علاوه بر آثار روانی در صحنه عمل هم تبعات مثبتی را برای اقتصاد و معیشت به دنبال دارد اما باید این واقعیت را هم در نظر گرفت که همه چالش‌ها و بن‌بست‌های کنونی به احیای برجام ارتباط ندارد.

با وجود نکته یادشده به نظر می‌رسد هم ساختار سیاسی و هم جامعه در قبال احیای برجام به نوعی شرطی شده‌اند. یعنی همه مشکلات کشور به احیای برجام ارتباط داده می‌شود، درصورتی‌که واقعیت امر آن است که فساد وسیع و نبود برنامه‌ریزی صحیح در کنار تداوم و تشدید تحریم‌ها در مجموع جامعه را به این نقطه متزلزل کشانده است. بر این اساس اگر برجام احیا شود، حداقل در وهله اول می‌تواند یک آرامش روانی را برای جامعه به وجود آورد. این آرامش اولیه در ادامه می‌تواند یک آرامش واقعی را در ابعاد مختلف شکل دهد که مهم‌ترین مسئله به حوزه ثبات و آرامش در اقتصاد و معیشت بازمی‌گردد.

